

آخرت‌گرایی قرآنی؛ قوام‌بخش اقتصاد متوازن

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۲۰

مجید رضایی دوانی*

چکیده

دین به آخرت توصیه می‌کند و مردم را در موارد متعدد از دنیا اعراض می‌دهد؛ نتیجه این، چه نوع زندگی است و با جوامع توسعه یافته چه نسبتی دارد؟ مقاله در صدد اثبات این امر است که آخرت‌گرایی قرآنی، قوام‌بخش جامعه متوازن و سازنده توسعه اقتصادی همراه با معنویت و عدالت است و با استناد به متن قرآن کریم، روایت‌ها و سیره اولیای دین معنای صحیح آخرت‌گرایی را بیان و آثار آن را در رفتار مصرفی و تولیدی فرد و دولت استنباط می‌کند و نشان می‌دهد دین در اموری که به‌طور معمول عقلا و اندیشه‌وران اقتصادی به آن توجه ندارند مانند عدالت، حفظ حقوق ضعیفان و دوری از تجمل‌گرایی با بهره‌گیری از ایمان به آخرت زمینه دوری از رفتارهای نامناسب را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، دنیا و آخرت، زهد، مصرف، تولید.

طبقه‌بندی JEL: Z12, A13, B41

مقدمه

پیامبران افق دید انسان‌ها را به عالم غیب باز کرده و ماورای این عالم را به آنها نشان می‌دهند. آنچه به عنوان آخرت در کلام آنان آمده نشان از عالمی دارد که در آن جزاء و پاداش اعمال این جهان یا باطن آن ظهور می‌یابد. مهم‌ترین رسالت پیامبران و دین پس از آشنایی با خالق یکتا نشان‌دادن زندگی آخرت، ویژگی‌ها و ارتباط آن با اعمال و رفتار انسان‌ها در دنیاست؛ از این‌رو توجه به آن سرا در تمام دستوره‌های دینی موج می‌زند و اصولاً تفاوت اصلی ادیان با مکتب‌های بشری در همین نکته نهفته است. از سوی دیگر پیامبران از میان انسان‌ها انتخاب می‌شوند و به ضرورت در دنیای مادی زندگی می‌کنند، نیازهای مادی دارند و باید نیازهای خود را تأمین کنند. طبیعت در اختیار بشر با کار و کوشش و اندیشه وی نیاز انسان را برطرف می‌سازد و حیات در دنیا نیازمند تأمین ضروریات زندگی انسانی است. بقای نوع انسانی و تولید مثل باعث تشکیل خانواده شده و نیاز انسان به روزی افزایش می‌یابد و برای تأمین آن و راحتی زندگی به اندیشه، تعمق و کشف روابط نهفته در درون عالم مادی نیاز هست. زندگی بشری در طول قرون متمادی از شیوه ساده به وضع امروزی تغییر شکل داده و روز به روز اسرار جدیدی کشف می‌شود و با کشف آن توانایی انسان در تسلط بر نیروهای طبیعت و تسخیر آن افزون شده و زندگی مادی انسانی روز به روز راحت‌تر می‌شود. علاقه به زندگی و مظاهر آن در وجود هر فرد به صورت غریزی وجود دارد. انسان‌ها تمایل ذاتی به حیات، بقا، راحتی و بهره‌مندی از انواع تمتعات مادی دارند. علاقه به مال که حاصل دسترنج و کوشش انسانی است در وجود همه انسان‌ها با شدت هست «وانه لخب الخیر لشدید» (عادیات: ۸) و «و تحبون المال حُباً جملاً» (فجر: ۲۰). وی دوست‌دار کثرت مال، قدرت و امکانات دنیوی است «الهیکم التکاثر» (تکاثر: ۱)؛ از این‌رو نمی‌توان وی را بر این علاقه غریزی ملامت کرد (نهج البلاغه، ح ۳۰۳، ص ۵۲۹). به همین جهت فعالیت پیامبران برای نشان‌دادن عالم دیگر و اثر رفتارهای انسان در شکل‌دهی آخرت با مخالفت خواسته‌های انسانی روبه‌رو می‌شد؛ زیرا انسان علاقمند به امور مادی برای ارضای خواسته‌های خود راه‌های گوناگونی را طی می‌کند و همگی در عالم آخرت نتیجه مثبت و مطلوب ندارد. انسان بهره‌مند از قوه تسخیر می‌کوشد که دیگر انسان‌ها و منابع را در اختیار بگیرد؛ ظلم، تجاوز، غصب، برده‌داری و انواع دیگر رفتارهای انسان در طول تاریخ از علاقه به مال، قدرت و ... ناشی است. روش و سیره

زندگی پیامبران به‌طور کامل متفاوت با چنین رفتارهایی است. پیامبران روش خاصی درباره زندگی دنیا داشته‌اند. از توجه به گفتارهای قرآن و اولیای الهی معلوم می‌شود که آنان گاه دنیا را تحقیر کرده و گاه انسان را به دوری از آن فرا می‌خوانند و گاه آن را یاور رسیدن به آخرت می‌دانند و در بهره‌گیری از آن توصیه می‌کنند. رفتار آنان نیز متفاوت است؛ در مصرف شخصی بسیار سخت‌گیرانه بوده اما خواستار تحقق جامعه سرشار از رفاه، امنیت و معنویت برای انسان‌ها بوده‌اند. از این‌رو پرسش‌هایی در این‌باره مطرح می‌شود. چگونگی بهره‌مندی انسان از دنیا چقدر است؟ زهد در زندگی چه معنایی دارد؟ رابطه دنیا و آخرت چگونه است؟ آیا توجه به دنیا انسان را از توجه به آخرت باز می‌دارد؟ جامعه دینی تا چه حد رشد و توسعه اقتصادی دارد؟ رفتارهای مصرفی و تولیدی فرد دین‌دار چه تفاوتی با دیگران دارد؟ رفتار دولت آخرت‌گرا چگونه است؟ برای پاسخ به پرسش‌های پیشین لازم است رابطه دنیا و آخرت را در متون دین کشف کرد تا بتوان نشان داد که توسعه اقتصادی جامعه دینی بر چه پایه‌ای استوار است؟ و آیا رفاه مادی و توسعه اقتصادی برای جامعه دینی امر مطلوب و با ارزشی است و برای رسیدن به آنچه اصول و معیارهایی را باید مراعات کرد؟ بنابراین مسئله اصلی مقاله پیش‌رو آن است که آخرت‌گرایی دینی چه نوع توسعه اقتصادی را تحقق می‌بخشد؟ فرضیه مقاله آن است که آخرت‌گرایی دینی رفتاری سازنده را شکل می‌دهد و توسعه اقتصادی از نظر زمانی پایدار و فراگیر از نظر مکانی را نوید می‌دهد و اساس آن رشد و تعالی تمام جامعه انسانی به‌صورت متوازن و متعادل است. بنابراین آخرت‌گرایی اسلامی قوام‌بخش توسعه اقتصادی متوازن است. بحث‌های مقاله را در چند بخش ارائه می‌کنیم؛ پس از بیان کلیات و مفاهیم اصلی، ویژگی‌های دنیا و آخرت در متون دینی و نسبت میان آن‌دو را بیان می‌کنیم و معنای واقعی زهد را روشن ساخته سپس اثر آخرت‌گرایی را بر رفتار اقتصادی تبیین می‌کنیم.

مفاهیم

۱. دنیا و آخرت

دنیا را به جهت نزدیکی‌اش به انسان دنیا نامیده‌اند و دنیا اسم برای زندگی در آن است یا دنیا نشئه اول و آخرت نشئه دوم است. کلمه دنیا در زبان متون دینی به معانی متعددی آمده

است مانند: طبیعت، عالم مادی، آنچه انسان را از آخرت باز می‌دارد. آخرت به معنای جهان دیگر، دار بقا، عالم ورای عالم مادی، نشئه جزا و ثواب اطلاق می‌شود.

۲. ویژگی‌های دنیا و آخرت در متون دینی

برخی ویژگی‌های دنیا که درباره انسان است منفی و برخی مثبت می‌باشد. این ویژگی‌ها در متون دینی عبارت هستند از:

۱. دنیا مخلوق خداست که منظم و دقیق آفریده شده و به سوی عالم دیگر روان است. دنیا محل زندگی موجودات بوده و انسان خلیفه خداوند متعال ﷻ در آن است. بخشی از زندگی انسان در آن سپری می‌شود و با آن انواع زینت‌ها زیبا شده است.

۲. دنیا مرکب مؤمن است و با آن به خیر می‌رسد و از شر و سختی نجات می‌یابد و مکان عبادت پیامبران، محل نزول وحی، مصالای فرشتگان و محل سکونت دوست‌داران خداوند متعال ﷻ است. برای آن کس که به راستی در آن به سر برد منزل راستی و صدق و برای دنیاشناسان منزل سلامت و عافیت است. نیز برای توشه‌گیران از آن منزل بی‌نیازی و برای پندگیران منزل پند و موعظه است. برای اولیای الهی محل تجارت است که در آن رحمت خداوند متعال ﷻ را به دست آورند و بهشت را نصیب برند. از این رو / امیر مؤمنان ؑ کسی که دنیا را مذمت می‌کند توبیخ می‌کند (نهج البلاغه، ح ۱۳۱، ص ۴۹۲-۴۹۳).

۳. دار ابتلاء، امتحان، محنت، مصیبت و فتنه «انا جعلنا ما علی الارض زینه لها لتبلوهم ایهم احسن عملاً» (کهف: ۷) است و در برابر آن آخرت که محل جزا، پاداش و نتیجه اعمال است.

۴. دنیا خانه کوچ و سفر، خانه عبور نه قرار، زوال آن سریع و عمر آن کوتاه بوده و در برابر آخرت که باقی و دائمی است (همان، خ ۱۹۶، ص ۳۱۰؛ ح ۱۳۳، ص ۴۹۳ و خ ۱۳۲، ص ۱۹۰). دنیا به عنوان محل عبور، مکان جمع کردن زاد و توشه برای محل قرار و آخرت بوده و چون محل عبور است خانه فراق و فنا برای انسان می‌باشد (همان، خ ۴۵، ص ۸۵ و ن ۶۹، ص ۴۵۹). در برابر، آخرت که خانه بقا و استقرار است و عقل و خرد حکم به استفاده از فانی برای باقی دارد (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۴، صص ۳۵ و ۳۷ / کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۵۹). زندگی در دنیا نسبت به آخرت زمان اندکی است. افزون بر اینکه عمر انسان در دنیا معلوم نیست که چه اندازه است.

۵. دنیا با تمایل‌های نفسانی و شهوت‌های احاطه شده در برابر آخرت که سختی‌ها و مشکلات گرداگرد آن را فرا گرفته است (نهج البلاغه، خ ۱۱۱، ص ۱۶۴). تمایل‌ها و خواهش‌های نفسانی انسان را به سمت راحتی، تکبر به دیگران، سلطه، تجاوز به مال

دیگران و رسیدن به امکانات از هر راه می‌کشاند اما در برابر آن کسب آخرت به مطابقت اعمال با درک خرد، عقل و دین نیاز دارد.

۶. دنیا برای انسان و انسان برای آخرت آفریده شده است (همان، ن ۵۵، ص ۴۴۶)؛ پس هدف دنیا آخرت است و زندگی در دنیا مقدمه زندگی در آخرت و پل عبور به آن است (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۴۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دنیا را به مزرعه آخرت تشبیه فرمود و زندگی دنیا را ایام مضممار و آمادگی برای مسابقه و آخرت را زمان نتیجه‌گیری و سباق خواند (همان، ص ۶۶-۶۷).

۷. دنیا همچون بحر عمیق محل هلاکت مردمان و همچون سایه پرتوی از حقیقت و زودگذر و همچون رؤیا شیرین و تا پیش از بیداری حقیقی مؤثر و همچون سایه است که اگر در طلب آن باشی می‌گریزد و اگر به وی پشت کنی در پیات می‌آید و مردمان در آن همچون مسافر و مهمان هستند که اندک زمانی در آنجا توقف می‌کنند سپس از آن می‌گذرند. دنیا همچون سراب است که حقیقت ندارد و رفع عطش طالب آب را نمی‌کند (همان، ص ۵۱-۵۲). دنیا همچون سم، مار افعی، مردار، آب شور و دام است که مضر به حال انسان است. در برابر آخرت همچون تقابل دو کفه ترازو یا مشرق و مغرب یا دو هوو که تقرب به هر یکی از دیگری را در پی دارد (همان، ص ۱۶۲-۱۶۹).

۸. دنیا مزرعه شر و بازار خسران است. دنیا دار غرور، فریب، خدعه و نیرنگ است. امام علی علیه السلام فرمود: «الدنيا مزرعة الشر و الدنيا سوق الخسران» (همان، ص ۱۴۸ - ۱۴۹). قرآن کریم می‌فرماید: «والعصر ان الانسان لفي خسر» (عصر: ۱).

۹. دنیا دار لهو و لعب است و در برابر آن آخرت که دار حیات و زندگی است (عنکبوت: ۶۴). دنیا جایی است که در آن معصیت اتفاق می‌افتد. دنیا جایگاه ظالمان و فاسقان است و برای مؤمن زندان و برای کافر بهشت است (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴-۱۵۶).

۱۰. ارزش دنیا نزد خداوند متعال صلی الله علیه و آله به اندازه بال مگس نمی‌ارزد و بی‌ارزش‌ترین مخلوق خداوند متعال صلی الله علیه و آله و کم‌ارزش‌تر از مردار است. خداوند متعال صلی الله علیه و آله به آن نظر نمی‌افکند، آن را برای اولیای خود قرار نداده، بی‌ارزش‌تر از کفش وصله‌دار و استخوان خوک در دست جدامی و آب بینی بز و برگ درخت جویده‌شده در دهان ملخ و مانند آن است (همان، ص ۱۷۷-۱۹۳).

از مجموع ویژگی‌های بیان‌شده معلوم می‌شود دنیا گاه در نسبت با انسان معنا شده و گاه بدون آن و فقط به عنوان مخلوق خداوند متعال صلی الله علیه و آله و درباره انسان گاه به‌عنوان امر مثبت و گاه منفی تلقی شده است. هدف دین آگاهی‌بخشی به انسان برای درک حقایق عالم

است. اگر انسان درک صحیح از دنیا و آخرت داشته باشد اعمال، رفتار و منش وی متأثر از درک وی خواهد بود و از دنیا بهترین استفاده را خواهد برد. با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده درباره دنیا و آخرت می‌توان جمع‌بندی کلی را به‌صورت ذیل نشان داد.

انواع نسبت میان دنیا، انسان و آخرت

دنیا را می‌توان به‌صورت منفرد و بدون توجه به ارتباط آن با انسان نگریست و می‌توان آن را با توجه به کیفیت ارتباط انسان با آن در نظر گرفت. بر این اساس معنای اول آن به جهان مادی بدون توجه به رویکرد انسان نسبت به آن اشاره دارد و معنای دوم به انواع رویکرد انسان به جهان مادی اشاره دارد.

۱. دنیا به معنای جهان مادی و کیهانی که مخلوق خداوند متعال ﷻ است و انسان در کره خاکی آن به‌سر می‌برد. این جهان به‌صورت منظم و دقیق آفریده شده و فعل خداوند متعال ﷻ است. تدبیر آن راه وصول به توحید و معاد است و زیبایی‌های آن نشان از قدرت و علم خالق دارد. دنیا، مسکن انسان‌ها است و از نعمت‌های آن بهره می‌گیرند، در قرآن کریم و روایت‌های گاه از آن به خلق و مخلوق تعبیر شده یا اجزای آن مانند آسمان، زمین، هوا، ابر، باد، گیاهان و ... مطرح شده است. دنیا به این معنا، ظاهر هستی و در برابر باطن عالم است. نیز مرحله‌ای از نظام هستی است و معاد و قیامت متنها و مصیر آن است. اندیشه در این دنیا ارزش‌مند است.

۲. دنیا درباره انسان که می‌توان سه نوع ارتباط کلی با آن مطرح کرد:

الف) دنیا به معنای وابستگی و دلبستگی به مظاهر مادی، امکانات، نعمت‌های زوال‌پذیر و فدا کردن تمام ارزش‌ها در راه آن بوده و جدا کردن دنیا از آخرت و نگاه استقلال‌ی به آن کردن و صرف عمر برای کسب و حفظ آن و عدم صرف آن برای ارزش‌های انسانی و دینی است. دنیا دوست به این معنا فقط سرمایه‌اش همان اموال و قدرت در محدوده زندگی دنیاست. دنیا به این معنا باعث غرور فرد و فریب و نیرنگ به وی می‌شود. تمام آنچه در محدوده زندگی دنیایی است در برابر آخرت متاع اندکی می‌باشد و حاصلی جز شر و خسران برای انسان در پی ندارد؛ چرا که باعث غفلت و دوری از حقایق عالم می‌شود. این نوع دنیا در شریعت مذموم بوده و به‌صورت‌های گوناگون از آن پرهیز داده شده است.

درباره اختیار دنیا به جای آخرت قرآن کریم می‌فرماید: «بل توثرون الحیوة الدنیا و الآخرة خیر و ابقى» (اعلی: ۱۶-۱۷). نیز می‌فرماید: «من کان یرید الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لا ینخسون اولئک الذین لیس لهم فی الآخرة الا النار و حبط ما صنعوا فیها و باطل ما کانوا یعلمون» (هود: ۱۵-۱۶). دنیا داران به دنیا دل خوش هستند و به آن اعتماد دارند و آخرت را باور ندارند (یونس: ۸۷). امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «به دنیا به مثابه خانه و وطن دائمی اتکا نکنید» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶). زندگی و امکانات دنیا، دیادوست را در برابر خداوند متعال جل جلاله به غرور می‌کشاند. «یا ایها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور» (فاطر: ۵). «دنیا اینان را مغرور نساخته بلکه آنان به دنیا مغرور شده‌اند» (نهج البلاغه، خ ۲۲۳، ص ۳۴۵).

معنای غرور به دنیا این است که به دنیا اعتماد می‌کند و به آن دل خوش است و آن، هدف اصلی کوشش وی است. دنیا بزرگ‌ترین همت و غایت معرفت وی است و درک بالاتری نسبت به سرای جاوید ندارد (مفاتیح الجنان، دعای شب بیست و سوم ماه رمضان).
 ب) ارتباط انسان با دنیا به معنای ترک آن و برگزیدن روش رهبانیت و ریاضت شدید و صوفی‌گرایی: این شیوه به وسیله راهبان مسیحی، مرتاضان هندی و صوفیان در طول قرن‌ها انتخاب شده بود. در صدر اسلام گاه مسلمانان برای تقویت معنویت و تقرب به خداوند متعال جل جلاله از لذت‌های حلال دنیوی دوری می‌جستند و خانواده را رها می‌کردند. آیه ۸۷ سوره مائده در رد رفتار آنان نازل شد: «ای مؤمنان خوبی‌هایی که خداوند متعال جل جلاله برای شما حلال فرموده را بر خود حرام نسازید». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یاران را از روزه دائم، بیداری کامل شب و دوری از همسر نهی می‌کردند (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۷۹-۸۳). امیر مؤمنان علیه السلام هم عاصم بن زیاد را به جهت ترک دنیا و عزلت عتاب کرد و از اینکه بخواهد مانند مولی‌الموحدین علیه السلام بر خود سخت گرفت و از غذای لذیذ و لباس نرم بپرهیزد وی را نهی کرد چرا که امام مسلمانان وظیفه دیگری دارد (نهج البلاغه، خ ۲۰۹، ص ۳۲۴). امام صادق علیه السلام هم رفتار صوفیان را مخالف اسلام دانست و اثبات کرد که آنان معرفت کاملی از اسلام ندارند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۶۵).

ج) دنیا به معنای وسیله و مقدمه وصول به ارزش‌های متعالی و کسب آخرت: نگاه به دنیا در این مورد استقلالی نیست؛ بلکه به آن در راه کمال توجه شده و از فرصت زندگی

در دنیا بهره گرفته می‌شود. برای مصرف در حد کفاف استفاده می‌شود و بقیه را برای کسب آخرت و توشه سفر ذخیره می‌سازد و اگر بیشتر از حد نیاز از آن استفاده کند (حتی از حلال) در روز قیامت حسرت کسب مدارج بالاتر را می‌برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اتركوا الدنيا لاهلها (سه بار فرمود) فانه من اخذ من الدنيا فوق ما يكفيه فانه يأخذ من جنته و لا يشعر» (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲)؛ یعنی «کسی که بیش از آن ذخیره کند در حقیقت خود استفاده نمی‌کند و فقط خازن برای دیگران است بدون آنکه بهره‌ای از آن ببرد» (نهج البلاغه، ح ۱۹۲، ص ۵۰۳)؛ البته مراد از این جمله‌ها قطعاً این نیست که بیش از قوت خود درآمد کسب نکن چرا که حضرت خود هزارها برابر نیاز خود درآمد به‌دست می‌آورد؛ بلکه مراد آن است که بیش از قوت نگه‌دار و از آن برای آخرت توشه بردار (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳-۱۴۴). لقمان در وصیت به فرزند خود فرمود: «در دنیا به‌گونه‌ای وارد نشو که به آخرت زیان وارد سازد و آن را چنان ترک نکن که نیازمند دیگران شوی» (همان، ص ۱۴۵).

در این معنا آخرت به‌وسیله دنیا به‌دست می‌آید. فرصت زندگی زمان مناسب برای عبادت و خدمت به مردم و سخاوت و برآوردن حاجت دیگران، وقف اموال و ... است. در این رویکرد چون دنیا در راه کسب آخرت است، طلب آن طلب دنیای مذموم نیست بلکه طلب آخرت است (همان، ص ۵۱-۵۲).

از این‌رو دنیا اهمیت می‌یابد. افزون بر آن استفاده از دنیا برای انسان لازم و ضرور است و مسلمانان از رهبانیت برحذر داشته شده‌اند و راه آخرت آنان از میان دنیا است؛ یعنی با فعالیت و کسب‌وکار، درآمد کسب کرده و به مقدار نیاز استفاده کند و خانواده، همسایگان، اقوام از درآمدش بهره‌گیرند که این نیز کسب آخرت است و مازاد را هم برای عموم مسلمانان یا انسان‌ها صرف کند. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۲۶ یونس «لذین احسنوا الحسنی و زیادة» می‌فرماید مقصود از حسنی بهشت و از زیاده دنیا است و خداوند متعال جل جلاله از آنچه در دنیا به آنها داده حساب نمی‌کشد و ثواب دنیا و آخرت را برای آنها جمع کرده و جزای نیکو در دنیا و آخرت به آنها عطا می‌فرماید (همان، ص ۶۳). مسلمان هم‌زمان به دنیا و آخرت توجه دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام فرموده‌اند که مؤمن دنیا را برای آخرت و آخرت را برای دنیا ترک نمی‌کند و از هر دو بهره می‌گیرد. امام کاظم علیه السلام فرمود:

«بهره‌ای از حلال دنیا و آنچه که نفس به آن تمایل دارد و منافعی مروت نیست و به حد اسراف نمی‌رسد را استفاده کنید و با دین خود را یاری کنید. هر کس دین را برای دنیا یا دنیا را برای دین ترک کند از ما نیست» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۱۰).

خداوند متعال ﷻ می‌فرماید که رزق پاک و زینت برای مؤمنان حلال است و آنچه خداوند متعال ﷻ حرام کرده، گناهان، کار زشت، ظلم، شرک و باورهای غلط است (اعراف: ۳۲-۳۳). نیز می‌فرماید: «از نعمت الهی برای کسب آخرت استفاده کن و بهره‌دنیایی خود را فراموش نکن» (قصص: ۷۷).

بنابراین در نگاه اسلام دنیا و آخرت به همدیگر مرتبط بوده و ضمن توجه به دنیا باید از آن برای آخرت توشه برگرفت. دین برنامه واحدی برای دنیا و آخرت در نظر گرفته و سعادت هر دو را تضمین کرده است. در اسلام از آخرت‌گرایی و توجه شدید به عبادت‌ها به‌گونه‌ای که از تمام انواع لذت‌های دنیوی دوری شود نهی شده و اسلام ضمن نفی رهبانیت غیراسلامی، رهبانیت امت مسلمان را در هجرت، جهاد، حج، عمره، نماز و روزه می‌داند و بی‌توجهی به حقوق خانواده و گوشه‌نشینی را صحیح نمی‌داند (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۷۵-۹۱) و اصلاح معیشت و امور دنیا را ضروری می‌داند (همان، ص ۹۱). در نگاه دین، اصلاح دنیا حب دنیا تلقی نمی‌شود بلکه کسب مال برای استفاده خانواده و رفع نیاز، طلب آخرت است (همان، ص ۹۲) و فرد در آخرت نورانی خواهد بود. امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس برای آبرومندی و توسعه روزی بر خانواده و کمک به همسایه کسب روزی کند در قیامت خداوند متعال ﷻ را با چهره بسیار نورانی ملاقات خواهد کرد» (همان، ص ۱۰۲).

در همین جهت معنای زهد مثبت اسلامی معلوم می‌شود. در طول تاریخ گروه‌ها و فرقه‌های گوناگون معانی متعددی از زهد ارایه کردند؛ گاه به‌صورت ترک کامل دنیا و تحریم تمام لذت‌های حلال و انتخاب شیوه ریاضت و رهبانیت (معنای دوم رابطه انسان و دنیا) و خود را منتسب به اولیای دین می‌کردند با اینکه اولیای الهی آنان را طرد و بر زهد مثبت و فعال تأکید می‌کردند. زهد به معنای بی‌رغبتی به چیزی است که فرد به‌صورت طبیعی به آن دل‌بستگی دارد. *امیر مؤمنان* علیه السلام زهد را با آیه «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتیکم» (حدید: ۲۳) توضیح می‌دهند چرا که زاهد بر گذشته و از دست‌رفته تأسف

نمی‌خورد و به آنچه نصیب وی می‌شود دل‌خوش نمی‌شود (نهج‌البلاغه، ح ۴۳۹، ص ۵۵۳). زهد قرآنی مراتبی دارد؛ نخستین مرحله آن پرهیز از حرام می‌باشد که اساس تقواست. در زهد مثبت مهم‌ترین و دومین مرحله بی‌رغبتی نسبت به محرّمات است. زاهد از آرزوهای دنیایی دوری می‌کند و راضی به قضای الهی بوده، نعمت الهی را شاکر است و با هوای نفسانی مخالفت می‌ورزد، از حرام پرهیز می‌کند و بر آن صبر روا می‌دارد (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۷۹-۲۸۱). این مرتبه از زهد مقام بالاتر از مرتبه پرهیز از حرام است. / امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «اگر این امور (آرزوی کوتاه، سپاس‌گذاری در برابر نعمت‌ها و پارسایی از حرام) بر شما سخت است، دست‌کم شکر نعمت و صبر بر حرام را رها نکنید که در این باره حجت تمام است و عذری پذیرفته نیست (نهج‌البلاغه، خ ۸۱، ص ۱۰۶).

زهد گرچه به امر فکری و روحی اتکا دارد و شخص دل‌بستگی به دنیای فانی ندارد و به تعبیر امیر مؤمنان علیه السلام فقط به آنچه نزد خداوند متعال جل جلاله است، رغبت نیکو نشان می‌دهد (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۱۵)؛ اما این روحیه باید در ظاهر رفتار و عمل انسان نمود پیدا کند. زهد در دنیا با رغبت به آخرت همراه بوده و در روایت‌های متعددی این دو را در کنار هم آورده‌اند (خیارکم ازهدکم فی الدنیا، و ارغبکم فی الاخره). بنابراین هر آنچه که در آخرت مفید است، توجه به آن منافی زهد نیست. کسب حلال منافی زهد نیست گرچه با تمام درجات زهد سازگار نباشد. / امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «زاهد به آنچه مؤعظه می‌شود، پذیراست و به آنچه آگاهی می‌یابد عمل می‌کند و به یقین خود نسبت به آخرت واکنش نشان می‌دهد و از عاقبت سوء حذر می‌کند» (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۴).

زهد به رفتار ظاهری بدون پشتوانه عمیق فکری و روحی اطلاق نمی‌شود. اصل مهم توجه کامل به حقیقت، معنویت و عدم دل‌بستگی به نعمت‌های زودگذر دنیایی است؛ گرچه از راه حلال به دست آمده باشد و این مرحله بالاتری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زهد تحریم امور حلال و نابودی اموال نیست؛ بلکه رضایت به قضای الهی و شیکبایی در مصیبت‌ها، سختی‌ها و ناامیدی از مردم است» (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۴۴). نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زهد تحریم حلال و نابودی اموال نیست؛ بلکه به آنچه در دست داری بیش از آنچه نزد خداست اطمینان نداشته باشی و اگر به مصیبتی دچار شدی به ثواب مصیبت چنان رغبت داشته باشی که آن دائمی باشد» (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۸)؛

بنابراین تحریم امور حلال جزء زهد نیست؛ مهم، داشتن پشتوانه اعتقادی در بهره‌برداری از نعمت‌هاست؛ از این رو استفاده از نعمت‌ها در حد حلال بی‌اشکال است.

البته از آنجا که در آخرت از حلال و حرام پرسیده می‌شود، درجه بالاتر زهد آن است که از حلال هم به مقدار ممکن بپرهیزد و با ایثار و فداکاری از حلال هم بگذرد و به قدر نیاز قناعت کند و بقیه را برای کسب آخرت صرف کرده تا در هنگام محاسبه آخرت راحت باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم دنیا چند گونه عمل می‌کنند: ۱. بسنده کردن به حلال محض و پرهیز از شبهات؛ ۲. بسنده کردن به حلال و شبهات و پرهیز از حرام؛ ۳. بسنده کردن به حرام؛ ۴. عدم اراده حلال محض. مؤمن در دنیا مانند مضطر استفاده می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۲۵). اگر انسان در دنیا به حداقل بسنده کرده و از حرام و حلال برای محاسبه آخرت بپرهیزد درجه بالاتری از زهد را نصیب می‌شود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که به *ابوذر و نوف بکالی* وصیت کردند که «خوشا به حال زاهدان در دنیا و مشتاقان به آخرت، گروهی که زمین را سفره، خاک را نشیمن گاه، آب را عطر، قرآن کریم را شعار و دعا را ظاهر خود قرار داده و دنیا را بر روش مسیح از خود دور ساختند» (طبرسی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۷۰ / نهج البلاغه، ح ۱۰۴، ص ۴۸۶).

گاه دل‌بستگی به دنیا حتی به مقدار علاقه به ادامه زندگی یک روز بیشتر در دنیا است و این در نگاه امام از انواع آرزوهای دنیایی است و پرهیز از آن درجه بالاتری از زهد را نوید می‌دهد (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۳۴۸).

در روایت معراج آمده که خداوند متعال جل جلاله به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای احمد اگر مایلی که اورع مردم باشی در دنیا زهد بورز و به آخرت رغبت پیدا کن. فرمود: خدایا چگونه در دنیا زاهد باشم. فرمود: از دنیا به اندکی از غذا و آشامیدنی و لباس بگیر و برای فردا ذخیره نکن و به‌طور دائم در یاد من باش» (همان، ص ۳۳۶).

البته وضعیت ظواهر افراد باید تناسب با شرایط زمانی و مکانی داشته باشد به گونه‌ای که کسی فرد را متهم به ریا و تزویر نسازد. در حقیقت شخص لباس شهرت به تن نمی‌کند. در روایت‌های متعددی آمده که امام صادق علیه السلام با برخی از صوفیان هم‌عصر خودش مانند سفیان ثوری برخورد کرده و آنها را از ظاهرگرایی پرهیز داده و فرموده است: «اگر من لباس

زیبایی به تن دارم برای مردم می‌پوشم تا مبادا من را به ریا متهم سازند اما برای آنکه به دنیا دل‌بسته نگردم در زیر لباس نرم، لباس خشنی می‌پوشم» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۶۵-۶۶). نکته‌ای که در اینجا باید مورد تأکید قرار گیرد اینکه وضعیت ظاهری رفتار انسان متفاوت است. انسان در استفاده از امکانات و نعمت‌های زندگی حتی اگر دل‌بستگی نداشته باشد باید به شرایط گوناگون توجه کند. گاه استفاده از نعمت برای انسان در وضعیتی جنبه حرمت پیدا می‌کند با اینکه استفاده آن در حالت عادی جایز است. نوع استفاده حاکمان عدل از امکانات دنیوی حلال با دیگران متفاوت است. امیر مؤمنان علیه السلام در جواب عاصم بن زیاد حارثی که به چگونگی غذا و لباس حضرت اعتراض کرد، فرمود: «من در مقام امیر جامعه مسئولیتی دارم و خداوند متعال جل جلاله بر حاکمان عدل مقرر فرموده که زندگی خود را در سطح ضعیفان جامعه قرار دهند تا فقر فقیران بر آنها سخت و گران نیاید» (نهج‌اللاغه، خ ۲۰۹، ص ۳۲۴)؛ بنابراین هم‌دردی با نیازمندان و محرومان وظیفه‌ای است که اولیای الهی با برخورداری از زندگی ساده آن را انجام می‌دهند.

گاه آزادگی روح و غنای نفس فرد باعث می‌شود که نفی انواع دل‌بستگی درونی و ظاهری را پیشه سازد و بالاترین مرتبه زهد را تحقق بخشد. از صفتهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استفاده از حداقل امکانات است تا روح آزاد خود را از هرگونه قید رها سازد. در این‌باره رفتار زاهدانه به روحیه قناعت و بسنده کردن به کم گره می‌خورد. گاه امیر مؤمنان علیه السلام از امکانات حلال استفاده نمی‌کرد تا نفسش به آن عادت نکند یا در آخرت از مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جایگاه وی فاصله نگیرد و گاه روحیه ایثار و فداکاری باعث می‌شود از دهان خود دور سازد و به دیگران بخوراند. زهد باعث می‌شود که فرد امکانات خود را صرف دیگران کند و آنان را بر خود مقدم دارد با اینکه بخشش بر وی واجب نبود. وی در عمل عدم دل‌بستگی به دنیا را نشان می‌دهد و در برابر کسب جایگاه آخرت، نعمت‌های دنیوی حلال پاک و طیب را فدا و رها می‌کند. آزادی برده‌های بسیار از دست‌رنج خود، کمک به نیازمندان و فقیران، وقف اموال و باغ‌ها از مصداق‌های آن است (رضایی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹-۱۸۴).

آنچه از مجموع بحث‌های پیشین به‌دست آمد اینکه روحیه آخرت‌گرایی در برابر دنیاطلبی دل‌بستگی روحی و باطنی را از دنیا جدا می‌کند و در استفاده از نعمت‌های دنیایی به حلال بسنده می‌کند و از محرّمات می‌پرهیزد و برای رسیدن به قله‌های برتر معنوی یا

به علت وضعیت و موقعیت اجتماعی از حلال هم بهره کم‌تری می‌برد و زهد در فرهنگ دینی مراتبی دارد:

۱. فقط پرهیز از حرام؛
 ۲. فقط بی‌رغبتی به حرام؛
 ۳. عدم دل‌بستگی به حلال دنیا؛
 ۴. استفاده در حد کفاف؛
 ۵. مصرف حداقلی و سخت‌گیرانه برای همراهی با ضعیفان و بی‌توجهی کامل به دنیا.
- در هر مرتبه، مراتب پیشین هست و از نظر درونی تشدید می‌شود؛ اما این همه در بُعد بهره‌مندی شخصی است نه در کسب درآمد و تولید کالا و ثروت.

آخرت‌گرایی و رفتارهای اقتصادی

۴۱

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / آخرت‌گرایی قرآنی فرام‌بخش اقتصاد ...

نگاهی گذارا به آیه‌های قرآن کریم و دیگر متون دینی روشن می‌سازد که خداوند متعال ﷻ برای ترغیب مؤمنان به فعالیت‌های مثبت اقتصادی مانند محافظت از حقوق و اموال ایتام، رسیدگی به محرومان، دوری از بخل، پرداخت زکات، انفاق و قرض به خداوند متعال ﷻ، پرهیز از تکاثر و انباشت ثروت و کنز، پرهیز از طغیان و استغنا و نیز دوری از ربا، ربا، کم‌فروشی و سرکشی، لعب و لهو، اتراف، اسراف، تفاخر، فتنه، فساد و پرهیز از بخش و بی‌ارزش کردن اموال دیگران، مراعات میزان، آزادساختن بردگان، دوری از انواع مفساد اخلاقی، بسنده کردن به رزق طیب و حلال، دوری از رفتار قارونی از توجه به آخرت استفاده کرده است. قرآن کریم از آغاز و انجام بهره می‌برد و مردمان را تشویق، ترغیب یا هشدار و انذار می‌دهد. صدها آیه درباره پیوند آخرت و امور اقتصادی هست. در تمام آیه‌ها هشدار از فریفته شدن نسبت به حیات دنیا و غفلت از آخرت است. غفلت باعث توجه به خواسته‌ها و لذت‌های زودگذر و تشدید طمع و حرص و فراموش کردن حقوق دیگران در جامعه و پیمودن انواع راه‌های باطل برای انباشت ثروت و کنز اموال و داشتن روحیه اتراف و اسراف و تجمل می‌شود. آیه‌ها می‌کوشد انسان را به تعادل و میانه‌روی و حفظ حقوق دیگران بکشاند و از افراط و تفریط دور سازد. در هیچ‌یک از آیه‌ها، انسان از کسب مال، تولید ثروت نهی نشده است بلکه هشدارها نسبت به شیوه تولید و تخصیص درآمد و مصرف آن است (معارج: ۲۴-۲۵ / حدید: ۷ و ۱۰-۱۱ و ۱۸ / شعراء: ۱۸۳ / بلد:

۱۳-۲۰ / اعراف: ۳۲-۳۱ / فاطر: ۵ / طه: ۸۱ و ۱۳۱ / قصص: ۷۶-۸۳ / ماعون: ۱-۴ / همزه: ۱-۹ /
 مدثر: ۱۱-۲۶ / قلم: ۱۴-۳۳ / علق: ۶-۷ / بقره: ۲۱۵، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۶۲ و ۲۷۵ / نساء: ۱۰ /
 محمد: ۳۶ / توبه: ۳۴ / تکوین: ۸۱ / فجر: ۱۵-۲۶ / مؤمنون: ۵۱، ۵۶ و...).

الف) رفتار مصرفی فرد

روحیه آخرت‌گرایی باعث می‌شود مصرف مردم در محدوده حلال باشد و از هرگونه مصرف حرام پرهیز شود (طه: ۸۱). تذبذب، اسراف، تجمل‌گرایی و ... در رفتار مصرفی وجود ندارد (اعراف: ۳۱-۳۲ / قصص: ۷۶-۸۳)؛ از این رو درآمد صرف کالای ضروری و اساسی زندگی می‌شود که در شأن فرد است. نیز وضعیت فرد در مصرف به شکل صوفیانه و رهبانیت نیست که حتی زندگی معمولی را ترک کند (مائده: ۵ / اعراف: ۳۱-۳۲)؛ بنابراین در میانه حد اسراف و تقییر است. عدم روحیه تجمل‌گرایی باعث مصرف مشخص و وجود پس‌انداز می‌شود. افراد درباره پس‌انداز پیش‌آمده یا به اختیار خود آن را صرف تولید بیشتر کرده و درآمد کسب می‌کنند یا در جهت مصرف دیگران و نیازمندان صرف می‌شود یا به بخش عمومی منتقل می‌شود و با وقف و ... زمینه استفاده دیگران را فراهم می‌سازد (لقمان: ۴ / فاطر: ۲۹ / حدید: ۷، ۱۰-۱۱ و ۱۸ / معارج: ۲۴-۲۵).

کم مصرف کردن معنای اصلی زهد دینی نیست و معنای واقعی آن بی‌اقتبالی به دنیا است؛ اما گاه به علت انگیزه‌های الهی، زاهد در حالی که درآمد کافی دارد می‌کوشد مصرف خود را کاهش دهد. انگیزه‌هایی مانند کمک به دیگران و هم‌دردی با آنها گاه زمینه کم‌مصرفی را پدید می‌آورد. گاه کم‌مصرفی برای آزادی و نفی هرگونه وابستگی است. بهره‌مندی از حلال نوعی وابستگی درونی پدید می‌آورد که برای عارفان و برگزیدگان الهی ناخوشایند است. به همین جهت اولیا و پیامبران همیشه در زندگی، سادگی را بر می‌گزیدند و کوشش در مصرف اندک داشتند (همان، ص ۱۸۸-۱۸۹).

قناعت به معنای راضی بودن به آنچه هست و طمع نورزیدن به آنچه به دست نیامدنی است. در دین، قناعت بسیار ستوده شده است. قناعت باعث مصرف صحیح و دوری از اسراف و تذبذب مال می‌شود. قناعت در مصرف جلوه‌گر می‌شود نه در تولید؛ پس به معنای تولید نکردن و قناعت به تولید کم نیست. در بُعد تولید، قناعت به این است که از منابع

تولید به بهترین وجه استفاده شود و کوشیده شود با دوری از اسراف مواد اولیه به کم‌ترین مقدار برای به‌دست آوردن محصول بیشتر قناعت کرد؛ البته گاه تولید بیش از حد مستلزم استفاده نابه‌جا از طبیعت می‌شود و تخریب آن را در پی دارد. در اینجا قناعت به معنای بسنده‌کردن و رضایت‌داشتن به تولید در حد نیاز است زیرا ضرر بزرگ نابودی طبیعت قابل مقایسه با امور دیگر نیست.

انسان قانع در برابر انسان حریص و طمع‌کار است. حرص و طمع از مظاهر حب دنیا است و باعث می‌شود شخص اموال زاید بر نیاز را جمع کند که وی را از آخرت باز دارد (نازعات: ۳۷-۳۹ / نساء: ۳۲). انسان قانع کم‌کار یا بیکار نیست. کوشش خود را به حد لازم انجام می‌دهد (نجم: ۳۹)؛ اما در مصرف به مقدار کفاف خرج می‌کند (طه: ۸۱). به آنچه نصیب وی است قناعت دارد و در پی سهم و نصیب دیگران نیست. فردی که کوشش خود را کرده و مقدار اندکی نصیب وی شود به آن راضی است نه آنکه برای کسب مال بیشتر هر راه خطایی را برود و هیچ ضابطه‌ای را در نظر نگیرد (علق: ۶-۷ / مدثر: ۱۱-۲۶ / حجر: ۸۸-۹۳)؛ وی قانع غفیف‌النفس است که در رسیدن به خواسته‌ها اسیر عقل است و در بهره‌مندی از دنیا جانب میانه‌روی را پیشه می‌سازد و مراقب است که نه در دام بی‌باکی از بهره‌مندی لذت‌ها قرار گیرد و نه در دام تفریط مصرف کمتر از مورد نیاز. ثمره چنین عفت‌النفس و پرهیز از تبعیت هوا و هوس، قناعت است. هرگاه قناعت با زهد آمیخته شود در مصرف به حداقل بسنده می‌شود و از امکانات تا زمانی که قابل استفاده است بهره‌بردی می‌شود. قناعت زمینه پس‌انداز برای کارهای دیگر مانند وقف، انفاق و ... را فراهم می‌سازد (مزمّل: ۲۰ / حدید: ۷ / معارج: ۲۴-۲۶ / بقره: ۱۷۷، ۲۱۵ و ۲۷۷).

ب) رفتار تولیدی و کسب درآمد فرد

آخرت‌گرایی و زهد اسلامی با کوشش در آبادانی دنیا و استفاده از طبیعت و با تولید کالاهای مورد نیاز جامعه چه کالا ضروری باشد یا رفاهی تنافی ندارد. انسان زاهد به‌علت ایمان به آخرت حداکثر کوشش خود را انجام می‌دهد و می‌کوشد با مصرف کم، بازدهی فعالیت خود را افزایش دهد و آن را در خدمت جامعه به‌کار گیرد. دنیایی که زاهد آن را ترک می‌کند سرگرم‌شدن به تنعم، تجمل و دور افتادن از کمال انسانی است. / امیر مؤمنان علیه السلام

که در قله زهد قرار دارد و بی‌اعتنایی کامل به دنیا را در رفتار و گفتارش هویدا ساخته است، در تمام عمر از کوشش و فعالیت دست برداشت؛ آنگاه که از جهاد در راه خداوند متعال ﷺ فارغ می‌شد به کارهای فرهنگی و گسترش مبانی دینی توجه پیدا می‌کرد و زمانی که اهل دنیا ولایت وی را نپذیرفتند به کار اقتصادی رو آورد و با دست مبارک خود اراضی فراوانی را آباد ساخت و تمام آنها را وقف فرمود. وی داشتن خانه وسیع را که در راه خیررسانی به جامعه باشد مطلوب و منافی با زهد نمی‌داند (نهج‌البلاغه، خ ۲۰۹، ص ۳۲۴ / مطهری، ۱۳۵۴، ص ۲۱۶-۲۱۷).

کار در فرهنگ دینی عبادت و رفع نیازهای جامعه و تولید نیاز کشور از واجبات نظام است. کسب درآمد از این راه نیز صحیح است و از آنجا که مردم در انتخاب مصرف حلال مختار هستند تولید هر کالای مباح، صحیح و جایز است و کسب درآمد از آن راه و تولید ثروت در جهت آخرت‌گرایی است. دوری از هرگونه کاهلی، سستی و استفاده بهینه و کارآمد از مواد اولیه، نیروی کار، زمان، فن و ... پرهیز از هرگونه تبذیر، اتلاف و اسراف که آخرت‌گرایی مثبت اسلامی تحمیل می‌کند، زمینه افزایش تولید و بهره‌وری خواهد بود. مصرف متعادل و حداکثر در حد شأن، زمینه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی را فراهم می‌کند. فرد آخرت‌گرا که به معاد باور داشته و دنیا را مزرعه آخرت می‌داند، چون نمی‌داند چه مدت در دنیا خواهد بود از فرصت‌ها استفاده می‌کند و کوشش خود را برای افزایش بازدهی عمر صورت می‌دهد و برای امکان انجام مسئولیت‌های شرعی در قبال خانواده (توسعه زندگی و زمینه‌سازی رشد علمی و استغنای مالی) و در قبال جامعه (یاری‌رسانی به نیازمندان، رفع مشکل اجتماعی و ...) می‌کوشد درآمد کافی به‌دست آورد تا بتواند برای خانواده، اقوام یا دیگر مردم صرف کند. داشتن زندگی آبرومند و انجام تعهدهای گوناگون نیازمند درآمد کافی است و آن جز به کار اقتصادی به‌چنگ نمی‌آید. / *امیر مؤمنان علیه السلام زمانی توانست باغ‌های متعدد، چاه‌ها، برده‌ها و ... را در راه خداوند متعال ﷺ وقف و آزاد کند. وی توانسته بود با کار و کوشش درآمد به‌دست آورد و ثروت خود را افزایش دهد. انجام انواع انفاق‌های مالی محتاج درآمد و ثروت است. آخرت‌گرایی اسلامی از رهبانیت گوشه‌گیری جداست. آخرت‌گرایی انسان را به اجتماع وصل می‌کند نه آنکه*

جدا سازد. بخش مهمی از عبادت‌های دینی در توزیع مال و دست‌گیری نیازمندان و وقف صورت می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۰، صص ۱۸۹ و ۱۹۵).

آخرت‌گرایی روحیه کارگر و نیروی انسانی را برای کار بیشتر مهیا کرده و به تعهدهای خود عمل می‌کند و از کم‌کاری می‌پرهیزد. اموال کارفرما را مانند امانت حفظ می‌کند و باعث بهره‌وری بیشتر و رشد درآمد می‌شود. علم‌آموزی که باعث جلوگیری از اسراف و اتلاف می‌شود مورد تأکید و تشویق قرار گرفته و وضعیت اقتصادی جامعه را ارتقا می‌بخشد.

در کسب درآمد از راه‌های باطل مانند ربا، کم‌فروشی می‌پرهیزد (مطففین: ۱-۸/ بقره: ۲۷۵/ هود: ۸۴-۸۶). از تکاثر و زیاده‌طلبی در جمع ثروت و تصاحب میراث دیگران (تکاثر: ۸۱/ توبه: ۳۴/ فجر: ۱۵-۲۶). از ظلم به ایتام و تصاحب اموال آنان (نساء: ۱۰) می‌پرهیزد. راه‌های طیب فراوان که در برابر وی است را پی می‌گیرد و روزی حلال به دست می‌آورد (هود: ۶۱/ ملک: ۱۵/ طه: ۸۱/ قصص: ۷۷/ مائده: ۲-۳).

ج) رفتار دولت آخرت‌گرا

رفتار دولت اسلامی براساس دیدگاه متعادل بین دنیا و آخرت شکل گرفته و دنیا را مقدمه کسب آخرت دانسته و از هر گونه افراط‌گرایی یا رو آوردن به تفریط می‌پرهیزد. هدف دولت اسلامی بهره‌گیری از دنیا در جهت سعادت اخروی است. دولت آخرت‌گرا خود را در برابر خداوند متعال جل جلاله مسئول می‌داند و پاسخ‌گوی نیازهای مردم است. رفاه اقتصادی و بهره‌گیری از نعمت‌های الهی به گونه‌ای که به تجمل، اسراف و تبذیر نیانجامد و از طرفی نیازهای اساسی و در حد متعارف افراد تأمین شود، از جمله وظیفه‌های دولت اسلامی است. به‌علت مقدمه‌بودن رفاه باید تمام آنچه برای دنیای افراد انجام می‌دهد در جهت گسترش معنویت باشد؛ پس هدف‌های دولت شامل امور اخروی و دنیوی هر دو است که به‌صورت متعادل در کنار هم قرار گرفته‌اند. تحقق امنیت، تأمین اجتماعی، گسترش رفاه اقتصادی، عمران و آبادی و اصلاح رفتار مردم در جهت تحقق ارزش‌ها از هدف‌های تشکیل دولت است.

دولت آخرت‌گرا از آنجا که حکومت را به‌عنوان امانت الهی دانسته و وظیفه آن را اقامه عدل می‌داند (نهج‌البلاغه، خ ۳، ص ۵۰). تمام کوشش خود را در جهت امنیت، عمران و آبادی، بهبود وضع معیشتی مردم و جمع و ضبط و حفظ اموال عمومی به خرج می‌دهد

(همان، ن ۵۳، ص ۴۲۷). حکومت نیز فی نفسه امانت است که باید نسبت به رعیت و مردم عدالت روا دارد و مهربانی با مردم وظیفه دولت است (همان، ن ۵، ص ۳۶۶). چون حکومت خود را در برابر خداوند متعال ﷻ نیز پاسخگو می‌داند حقوقی برای مردم می‌شناسد و باید آن را ادا کند. پرداخت حقوق مالی، آموزش علوم و اخلاق و خیرخواهی مردم (همان، ص ۳۴، ن ۷۸) از وظیفه‌های حاکم نسبت به مردم است.

با بررسی متون دینی مواردی که رفتار حاکم و کارگزاران دولتی با آخرت پیوند داده شده معلوم می‌شود - گرچه تمام اعمال انسان در قیامت ظهور می‌کند- اما در کلام الهی و اولیای دین برای ترغیب و عدم غفلت حکام از آخرت بهره گرفته شده است؛ زیرا تمام دولت‌ها به دنبال امنیت هستند اما بسیاری در پی توزیع درآمد نیستند. موارد اقتصادی که با آخرت پیوند داده شده عبارت هستند از:

۱. اقامه عدل و رفع ظلم در جمیع جوانب، همان‌گونه که در دولت امام مهدی ﷺ رخ می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۴۰۵ / ص ۵۴۲ / حکیمی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵-۳۰، ص ۵۸۵۳ / مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۵۲، ص ۳۳۸)؛
۲. تأمین فقیران و نیازمندان (نهج البلاغه، ص ۴۳۸-۴۳۹)؛
۳. مراقبت از حقوق کارگران و کشاورزان در روابط بین صاحبان کار و سرمایه (حکیمی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۵)؛
۴. اجرای حدود الهی و شرایع و احیای سنت نبوی و اقامه شعایر دینی (همان، ج ۲، صص ۳۲، ۴۱۴ و ۴۱۷).
۵. توزیع ثروت طبیعی و اموال دولتی به صورتی که فاصله طبقاتی فراوان رخ ندهد (حشر: ۷، حکیمی، ۱۴۰۹، ج ۵، صص ۲۷۲-۲۷۶ و ص ۲۸۲-۲۸۹)؛
۶. جمع‌آوری بیت‌المال و توزیع صحیح آن (توبه: ۱۰۳-۱۰۵).

اموری با آخرت گره خورده که به‌طور معمول دولت‌ها انگیزه‌ای برای انجام آن ندارند. گسترش عدالت، توزیع صحیح بیت‌المال، تأمین نیازمندان، مراقبت از حقوق کارگران و کشاورزان و اجرای حدود الهی امروزه هم به آن بی‌توجهی می‌شود. تمام دولت‌ها به فکر امنیت، مالیات، عمران و آبادی هستند اما انگیزه عدالت ندارند. شاید به همین علت دین از ایمان و آخرت بهره گرفته چون عقلاً به سختی آن را می‌پذیرند و حتی اگر درک کنند آن را عمل نمی‌کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت معلوم شد جامعه‌ای که به آخرت توجه جدی دارد افزون بر بهره‌مندی از مزیت‌های اقتصادی که در دیگر جوامع است (امنیت، عمران و آبادی، تولید کالا و خدمات مورد نیاز و ...) در تولید محدودیت‌هایی اعمال می‌شود که مانع تولید کالاهای مضر و نامناسب جامعه می‌شود و در بخش مصرف با دوری از تجمل و مصرف‌گرایی مازاد درآمد برای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، اشتغال یا تأمین نیازهای محرومان اختصاص می‌یابد. میان‌روی در تولید و مصرف و تخصیص درآمد از ویژگی‌های جامعه آخرت‌گراست. دولت در چنین جامعه‌ای بر محافظت از اموال عمومی، حقوق ضعیفان، عدالت و برپایی شعائر دینی تکیه دارد. توجه به آخرت مانع تأمین نیازهای اقتصادی نیست، افزون بر این تعادل و توازن در بهره‌مندی را سبب می‌شود. وجود افراد زاهد به‌ویژه در میان حاکمان جامعه را به سمتی رهنمون می‌سازد که مصرف بیش از نیاز و در حد رفاه در صورتی مناسب است که تمام افراد حداقل‌ها را داشته باشند. در چنین جامعه‌ای وظیفه تکافل و تأمین اجتماعی فقط بر عهده دولت نیست بلکه همه خود را مسئول می‌دانند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت». ممکن است سرعت رشد اقتصادی کندتر شود اما به دور از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از توزیع نامناسب است. آخرت‌گرایی اسلامی، آخرت‌گرایی مثبت، فعال و جریان‌ساز است. زندگی در دنیا جدی گرفته‌شده و از فرصت زندگی در دنیا برای آبادی آن که در جهت آبادی آخرت است، استفاده می‌شود. آخرت‌گرایی اسلامی از آخرت‌گرایی صوفیانه به دور است و رفتار مثبت مصرفی به دور از اسراف و تجمل شکل می‌گیرد و رفتار تولیدی فعال رشد و توسعه را محقق ساخته و رفتار مناسب دولت‌مردان، عدالت و رفاه را رقم می‌زند. تمام این امور توسعه اقتصادی همراه با معنویت را در پی دارد و جامعه از توزیع درآمد متعادل و مناسبی برخوردار می‌شود. رفتارهای نامناسب فردی به‌علت طمع‌ورزی و مال‌دوستی (اتراف و طغیان) رخ ندهد. اختلال در نظام پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (کنز) و عدم شفافیت در مبادله کالا و خدمت (تطفیف و فساد) برطرف شود و نظام توزیع درآمد با پرداخت‌های واجب و مستحب (زکات و انفاق) بهبود یابد و تعادل اقتصادی مطلوب حاصل شود.

منابع و مأخذ

۱. آمدی تمیمی، محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ شرح محمد خوانساری؛ ج ۵، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲. حرانی، ابو محمد حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول ﷺ؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی؛ الحیاة؛ تهران: مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸-۱۴۱۰ق.
۴. رضایی، مجید؛ «زهد و قناعت در منظر و سیره امیر مؤمنان ﷺ»؛ دانشنامه امام علی ﷺ؛ ج ۷، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۵. محمدی ری شهری، محمد؛ الدنيا والآخرة فی الكتاب و السنه؛ قم: دارالحديث، ۱۳۸۴.
۶. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ بیروت: دارصعب، ۱۴۰۱ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۸. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۹. مطهری، مرتضی؛ سیری در نهج البلاغه؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۵۴.
۱۰. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ق.